

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی متن اوستایی اوگم‌دیچا

استاد راهنما:

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور:

دکتر کتابون مزداپور

پژوهشگر:

شیما جعفری دهقی

شهریور ماه ۱۳۸۷

سه

تقدیم به پدر و مادر مهربانم

هفت

سپاسگزاری

بررسی و ترجمه این متن میسر نمی گردید مگر به یاری و کمکهای استادان گرانقدرم دکتر زهره زرشناس، دکتر کتایون مزداپور و دکتر منظر رحیمی ایمن که مرا بی دریغ یاری رساندند از ایشان بسیار سپاسگزارم. همچنین ازجناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی که داوری این رساله را پذیرفتند و دیگر اساتید گرانقدرم در پژوهشگاه علوم انسانی تشکر می کنم. سپاسگزارم از پدر بزرگوام دکتر محمود جعفری که نخستین بار مرا با فرهنگ و زبانهای ایران باستان آشنا ساختند و همواره پدری مهربان و استادی گرانقدر برایم بوده اند. همچنین قدردان زحمات مادر مهربان و دلسوزم هستم.

چکیده

اوگمديچا آفريني است كه در سپيده دم چهارمين روز پس از مرگ توسط بازماندگان براي روان شخص درگذشته خوانده مي شود. نام اين دعا همچنان كه مرسوم بوده از نخستين واژه آن به معنای " بر زبان مي آوريم " برگرفته شده است. اصل اين متن به پازند و موضوع آن سرنوشت روان پس از مرگ است. ويژگي منحصر به فرد اين متن دارا بودن جملات اوستايي است كه اكثر آنها در اوستاي كنوني موجود نيست. مترجم و زمان دقيق ترجمه اين متن مشخص نيست اما متخصصان آن را قديمي تر از قرن دوازدهم ميلادي تصور نمي كنند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
فصل اول :	
۵.....	حرف نویسی متن اوستایی
۸.....	ترجمه متن اوستایی
۱۲.....	واژه نامه اوستایی
۴۴.....	متن اوستایی
فصل دوم:	
۸۸.....	حرف نویسی متن پازند
۹۶.....	ترجمه متن پازند
۱۰۹.....	یادداشتهای متن پازند
۱۳۰.....	متن پازند
۱۳۰.....	کتابنامه

مقدمه

متونی که از روزگار کهن به ما رسیده اند به منزله گنجینه ای از فرهنگ و هویت ما به شمار می روند و بازشناسی و مطالعه مجدد آنها باعث پیشرفت و روشنگری در شناخت جهان بینی نیاکان ما خواهد بود. ازجمله متون روزگار کهن این سرزمین متونی است که به صورت پازند باقی مانده است که با بررسی آنها می توان به برخی اعتقادات دین زردشتی دست یافت که در اوستای کنونی یافت نمی شود. نویسندگان کتابهای پهلوی برای ضبط نام های اشخاص، نام های جغرافیایی و واژه های اوستایی که در نوشته های خود به کار می بردند، به ناچار از خط پهلوی استفاده می کردند. اما ضبط کلمات ناشناخته یا کم شناخته شده به خط مبهم پهلوی مفید فایده ای نبود زیرا خواننده از تلفظ دقیق آنها آگاه نبود. به ناچار این گونه کلمات را به خط اوستایی که تلفظ کلمه را دقیق نشان می دهد، ضبط می کردند. این تدبیر را باید آغاز پازند نویسی به شمار آورد. این روش که شاید از اواخر دوره ساسانی معمول شده باشد، باید الگوی پازند نویسان بعدی به شمار آورد. پس از قرن چهارم هجری، که زبان پهلوی رو به فراموشی گذاشت، خواندن متون آن به تدریج مشکل یا ناممکن شد. به همین جهت، روحانیان زردشتی که به هندوستان مهاجرت کرده بودند، بر آن شدند که دعاها و بعضی از متون پهلوی را به خط اوستایی برگردانند.

از روحانیانی که نخستین بار پازند را به صورت نظام آوانویسی پهلوی به کار بردند، اطلاعی نداریم. تنها از دانشمندی پارسی به نام نریوسنگ اطلاع داریم که احتمالاً در قرن ۱۱ یا ۱۲ میلادی می زیسته است. وی بسیاری از آثار پهلوی را به سنسکریت ترجمه کرده و به پازند برگردانید.^۱

از جمله متونی که به صورت زند و پازند در دست است اوگمديچا است. نام این دعا چنانکه مرسوم بوده است از نخستین کلمه آن به معنای " بر زبان می آوریم " بر گرفته شده است. در مورد اصالت این متن اختلاف نظر میان دانشمندان وجود دارد. برخی از دانشمندان نظیر خانم مری بویس^۲ معتقدند که این متن اصالتاً بخشی از هادخت نسک یعنی بیستمین نسک اوستای ساسانی بوده که در آن از سرنوشت روان پس از مرگ سخن رفته است. برخی دیگر نظیر وست^۳ بر این عقیده اند که اوگمديچا در برش نسک یعنی نسک دوازدهم اوستای ساسانی قرار داشته است.

این متن امروزه به دو صورت در دست است. یک به صورت نسخه پازند که حاوی بخشهایی از ترجمه سنسکریت و گجراتی قدیمی است. دیگر به صورت نسخه پهلوی که البته نسخه اول احتمالاً از روی ترجمه پازند به پهلوی نوشته شده است.

نسخه پهلوی از این جهت حائز اهمیت است که جملاتی به زبان اوستایی در آن مشاهده می شود که اکثر آنها در اوستا وجود ندارند. تعداد این جملات در نسخه پازند بیست و نه و در متن پهلوی سی می باشد. پنج جمله از این جملات اوستایی در بخشهای دیگر اوستا چون وندیداد نوزده آمده است. نویسنده و تاریخ تالیف این متن مشخص نیست. بنابر نظر وست احتمالاً تالیف آن متاخرتر از قرن ۱۲ میلادی نمی باشد. در این زمان بسیاری از متون زند به صورت پازند ترجمه و از پازند به زبان سنسکریت ترجمه شد. مترجم اکثر این متون به زبان سنسکریت نریوسنگ دهوال بود. البته در مقایسه واژگان موجود در ترجمه سنسکریت با واژگان دیگر در متون ترجمه شده توسط نریوسنگ گایگر ثابت کرده است که مترجم سنسکریت این متن

- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، دکتر احمد تفضلی، ۱۳۷۶ انتشارات سخن^۱

^۲- Handbuch der Orientalistik, I. IV. II. 1, 47 note 6.

^۳- SBE vol. XXXVII,488

احتمالا یکی از شاگردان نریوسنگ بوده و نه خود او که البته این شاگرد تسلط کمتری بر ترجمه این متون داشته. دارمستتر بر این عقیده است که این متن در اصل برای شخص خاصی نوشته شده که بعدا به صورت دعایی برای عموم در آمده است. اما زنر عنوان آن را " خطابه مزدیسنی " ذکر می کند اگرچه دلیل خود را برای چنین نامی ذکر نمی کند. احتمالا اتوگمديچا آفرین یا دعایی بوده که پس از آفرینگان ، پیش از سحرگاه چهارمین روز پس از مرگ به یاد شخص درگذشته می خواندند. یکی از دلایلی که اثبات می کند این متن آفرین بوده ، قرار گرفتن آن در پیش از آفرین گاهنبار و مقدمه آفرین هفت امشاسپند در نسخ خطی پهلوی می باشد.

در دوران متاخر از آفرین اتوگمديچا نابجا استفاده شده و یا بجای آن آفرین های دیگر چون آفرین بزرگان و آفرین هفت امشاسپند (آفرین دهمان) بکار رفته است.

این متن را نخستین بار ویلیام گایگر (Wilhelm Geiger) در سال ۱۸۷۸ بر اساس متن پازند به زبان آلمانی ترجمه کرد. چند سال پس از این ترجمه جیمز دارمستتر (James Darmesteter) در کتاب زند اوستای خود جملات اوستایی این متن را بررسی و به زبان فرانسه ترجمه کرد. همچنین جاماسب آسا (Kaikhusroo M. JamaspAsa) در رساله دکتری خود ترجمه ای به زبان انگلیسی از این متن ارائه کرد. این رساله در سال ۱۹۸۲ در وین به چاپ رسید. نسخه های موجود بر اساس متن پازند عبارتند از:

F30 کتابخانه رانا متعلق به دستور مهرجی در نوساری تاریخ YA۱۲۵۳ (= AC۱۸۸۴) .

H که پیش از این متعلق به مجموعه خصوصی هاتاریا (M.L.Hataria) بود.

Jim متعلق به مجموعه خصوصی مودی (J.J.Modi) .

K24 متعلق به کتابخانه کونگلیگ (Det Kongelige Bibliotek) در کپنهاگ .

M66 و M67 متعلق به کتابخانه بیریش استس (Bayerische Staatsbibliothek) در مونیخ.

R53 ، R242 و R410 متعلق به موسسه کاما (Cama Oriental Institute) در بمبئی.

U که پیش از این در مجموعه خصوصی ادوارد.م اونوالا (Edward M. R.Unvala)

نسخه های موجود بر اساس متن پهلوی :

D3 متعلق به کتابخانه ملا فیروز (Mulla Firoz) در بمبئی.

F33 متعلق به کتابخانه دستور مهرجی رانا در نوساری.

J58 و Jb که پیش از این در مجموعه خصوصی دستور ج.م. جاماسپ آسا بود.

حرف نویسی متن اوستایی

- 1- *aogamadaēcā usmahicā vīsāmadaēcā••*
- 2- *šātō manā vahištō uruuanō••*
- 3- *usəhištat vohu manō haca gātuuō zaraniiō kəratō••*
- 4- *x varəəanqm hē bəratam zarəmaiiehe raoγnahe••*
- 5- *yaəa vā ərazatō paiəi yaəa vā zaranaiiō paiəi yaəa vā kāciṭ
gaonanqm••*
- 6- *pasca para iristīm daēuua druuaṇtō duždāñhō baodəm auuaəa
fratərasəṇti yaəa maēši vəhrkauuaiti vəhrkaṭ haca fratərasaiti••*
- 7- *āaṭ mē tanuuō iəiiejaṇhaiti maniiā manəṇha humatəm••*
- 8- *āaṭ mē tanuuō iəiiejaṇhaiti hizuuā mrūidi hūx təm••*
- 9- *āaṭ mē tanuuō iəiəjaṇhaiti zastaēibiia vərəzə raəβīm huuarəštəm
šiiəəəənəm••*
- 10- *mā məm tanuuō iəiiejaṇhaiti aṇrāi vaire fraspaiiōiš yim
x rauuaṇtəm āiəiuuaṇtəm yim daīβīm afradərasuuuaṇtəm frākəraṇtaṭ aṇrō
maiṇiiuš pouru mahrkō būnəm aṇhəuš təmaṇhahə yaṭ əraṇatō
daožəṇhahə••*
- 11- *hamasciṭ parō auuaṇhəm isəṇte mašiiākāñhō••*

12- *cim aošaṇuhaiti astəm isaiti tanuua cim uruna cim frazəṇta cim vā gaēōāhuua mahrkaəəm••*

13- *anāmarždikō zī asti hauuāi marždikāi••*

14- *ōim taṭ vā zī taṭ aiiarə ājasāiti spitama zaraəuštra aēuua vā xšapa••*

15- *aiiarə āmīōnāiti jūiie tanuš fraiiaire aiiqn bauuaiti hubadrō hupaitizantō aḍa apaire aiiqn dužāərəm••*

16- *dāuš dātiia fraēšta drauuəntō duždāṅhō••*

17- *āaṭ mraoṭ ahurō mazdā frākərəstō astōvīdōtuš ziražā apairi aiiō*

18- *yahmaṭ haca naēciš bunjaiiāt aošəṇuhəṭəm mašiiānqəm••*

19- *nōiṭ aēōrapataiiō nōiṭ danhupataiiō nōit səsəuuištāi nōiṭ asəuuištāi*

20- *noiṭ uziiqš tacō naēḍa niiqš••*

21- *naēḍa frakənəm aṅhā zəmō yaṭ paəanaiiā skarənaiiā dūraēpāriiā••*

22- *ā aṅhəuš frašō carəəraṭ••*

23- *pairiəβō bauuaiti paṇtā təm yim dānuš apaiiāiti jaṭra fraḅuna taciṇtiš hāu diṭ aēuuō apairiəβō yō vaiiaoš anamardždikahe••*

24- *pairiəβō bauuaiti paṇtā təm yim ažiš pāiti gaostauuā aspaṅhāḍō vīraṅhāḍō vīraja anamarždikō hāu diṭ aēuuō apairiəβō yō vaiiaoš anamarždikahe••*

25- *pairiəβō bauuaiti paṇtā ... yim aršō pāiti ax šaēnō ... anamarždikō hāu diṭ aēuuō apairiəβō yō vaiiaoš anamarždikahə••*

26- pairiθβō bauuaiti paṇtā təm yim mašiiō gaδō pāiti aēuuaja
anamarždikō hāu diṭ aēuuō apairiθβō yō vaiiaoš anamarždikahe••

27- pairiθβō bauuaiti paṇtā təm yim haēniīā cax rauuaiθiiā hamaēθe
viiāzdaiiā hāu diṭ aēuuō apairiθβō yō vaiiaoš anamarždikahe••

28- āaṭ mraōṭ ahurō mazdā dūšx ratūm apairi gaēθqm asrāuuaiiat
gāθqm••

29- uta druuā gaom viste uta druuā aspəm viste uta druuā maēšinəm
yauuanḡhəm viste••

30- pqsnuš gauuō pqsnuš aspa pqsnuš ərəzatəm zaranim pqsnuš nara
cairiia tax ma••

ترجمه متن اوستایی

- ۱- بر زبان می آوریم و می خواهیم و حاضریم.
- ۲- اندیشه شاد و روان بهترین (باشد).
- ۳- برخاست بهمن از تخت زرین کرد (ساخت).
- ۴- برای او خوراک برده شود، روغن بهاری*.
- ۵- همانا یا سیمین رنگ و یا همانا زرین رنگ و یا هر رنگ دیگر.
- ۶- پس از مرگ دیوهای دروند بدآفرید چنان از بوی ترسند که میش از بوی گرگ ترسد.
- ۷- آنگاه ای تن فانی من نیک اندیشه کن با اندیشه.
- ۸- آنگاه ای تن فانی من نیک بگو با زبان.
- ۹- آنگاه ای تن فانی من نیک (و) راست عمل کن با دو دست.
- ۱۰- مبادا ای تن فانی مرا در اعماق اهریمن بیفکنی که وحشتناک ، زیان آور، فریفتار و از دور ناپیدا (است) که اهریمن پر مرگ ساخت (به عنوان) بن هستی تاریک مهیب که دوزخ است.

۱۱- همانا مردم بیش از نیاز خود توشه می خواهند.

۱۲- چرا (انسان) فانی پریشانی برای تن می خواهد چرا برای روان چرا برای فرزند چرا برای امور دنیوی و گذرا؟

۱۳- همانا (او) نسبت به آمرزش خود بی رحم باشد.

۱۴- همانا برای یک روز - یا این یا دیگری - فرا رسد ای سپیتمان زردشت و یا یک شب.

۱۵- طول روز، تن ، زنده در سپیده دم نیک بهر باشد همانا نیک پذیرفته. سپس، بعد از روز ، هستی بد (دوزخ) باشد.

۱۶- با بی دادی و بی قانونی بیشتر (مردم) دروغگو و نادان (اند).

۱۷- آنگاه گفت اهورا مزدا : استویداد برای کشتن (مردم) زیرک آفریده شد.

۱۸- که هیچ از مردم فانی از او رهایی نخواهند یافت.

۱۹- نه آموزگار ، نه صاحب زمین ، نه قدرتمندترین ، نه ضعیفترین.

۲۰- نه فرار کننده به سوی بالا و نه فرارکننده به سوی پایین.

۲۱- نه آنکه درون کنده های این زمین پهن ، گرد و دور گذر(فرار می کند).

۲۲- تا بازسازی (فرشکرد) هستی.

۲۳- دوری گزین باشد راهی که آن را رود ژرف و فراز بن تازان نمی رسد ، همانا آن یک (راه) دوری گزین نباشد که از آن وای نیامرزید باشد.

۲۴- دوری گزین باشد راهی که آن را ازدهایی به بزرگی گاو پاید که طعمه کننده اسب باشد که طعمه کننده و زننده مرد نیامرزید باشد. همانا آن یک (راه) دوری گزین نباشد که از آن وای نیامرزید باشد.

۲۵- دوری گزین باشد راهی که آن را ... خرس سیاه و تیره پاید ...همانا آن یک (راه) دوری گزین نباشد که از آن وای نیامرزید باشد.

۲۶- دوری گزین باشد راهی که آن را مرد دزد پاید که یک تنه زننده (است) همانا آن یک (راه) دوری گزین نباشد که از آن وای نیامرزید باشد.

۲۷- دوری گزین باشد راهی که آن را سپاه چرخدار (گردونه دار) آراسته برای نبرد (پاید) همانا آن یک (راه) دوری گزین نباشد که از آن وای نیامرزید باشد.

۲۸- سپس گفت اهورا مزدا : آن نادان که مال و دارایی نذر نمی کند و گاهان نمی سراید.

۲۹- و دروغگو گاو را بدست آورد و دروغگو اسب را بدست آورد و چراگاه را برای میش بدست آورد.

۳۰- گاو تبدیل به خاک شود ، اسب تبدیل به خاک شود سیم و زر تبدیل به خاک شود مرد فعال و نیرومند تبدیل به خاک شود.

واژه نامه اوستایی

aēθra.patay-	اسم	آموزگار، هیربد
aēθra.pataiiō-	جمع مذکر نهادی	§59
Skt: ācārya-		Air.Wb.20
Mp: hērbēd		Jp.74, § 251

aēm-	صفت یا ضمیر اشاره	این، آن
aṅhā-	صفت اشاره مفرد مونث اضافی	§21
Skt: a-		Air.Wb.9
Mp: ēn		Jp.121, § 422

aēuuā-	عدد	یک
aēuuō	نهادی	§23,25
ōim-	رای	§51
Skt: eka-		Air.Wb.24
Mp: ēw		

aēuuō.gan-	صفت	زننده یک نفر
aēuuāja-	صفت مفرد مذکر نهادی	§26
Skt: ekānganihantar-		Air.Wb.25
Mp: ēwtāg zadār		Jp.88, § 300

aēš-	فعل	خواستن، آرزو کردن
isəṅte-	مضارع سوم شخص جمع ناگذر	§11
isaiti-	مضارع سوم شخص مفرد گذرا	§48
Skt: icchamti , abhilasate		Air.Wb.28
Mp: xwāstan		Jp.143, § 483

aog-	فعل	گفتن، بر زبان آوردن
aogəmadae.cā	مضارع اول شخص جمع ناگذر+ پی چسب	§1
Skt: āyāti		Air.Wb.38
Mp: rasīdan		Jp.154, §526

aošahvant- , aošahvaitī-	صفت	فانی ، میرا
aošajuḥā-	مفرد مذکر نهادی	§12
aošajhatəm-	جمع مذکر اضافی	§18
aošajuhaiti-	مفرد مونث نهادی	§12
Skt: mrtyamant		Air.Wb.44
Mp: ošōmand		Jp.87 §291, Jp.76 § 257

axšaēna-	صفت	تیره ، سیاه
axšaēnō-	مفرد مذکر نهادی	§25
Skt: ākāsavarṇa-		Air.Wb.51
Paz: ašiegun		Jp.70, § 236

aḍa-	قید	سپس ، نیز
Skt: adhā		§15
		Air.Wb.55

ap-	فعل	رسیدن ، بدست آوردن
apaiiāiti-		§23
	مضارع التزامی سوم شخص مفرد گذرا	
Skt: nirodhayati		Air.Wb:885
Mp: pādan		Jp.145, § 486
توضیح: بار تلمه این واژه را از ریشه pā می داند.		

apaira-	صفت	بعدا (تحت اللفظی: بعد از روز)
apaire-	مفرد خشی دری	§15
Skt: apara		Air.Wb77
		Jp.70, § 236

apairi.aiia-	اسم	بی چاره، بدون راه
apairi.iiiō-	مفرد مذکر نهادی	§17
Mp: abē-rawišn		Air.Wb:78
		Jp.70, § 236

apairi.gaēθā-	صفت	؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
apairi.gaēqm-	مفرد مونث رایبی	§28
Mp: husrawīg gētīg		Air.Wb.78
		Jp.72, § 243

a.pairiθβa-	صفت	عبور ناپذیر، غیر قابل گذر
apairiθβō-	مفرد مذکر نهادی	§23,24,25,26,27
Skt: anatikramanīya-		Air.Wb.78
Mp: awidar		Jp.70 § 236

afradərəsuaṇt-	صفت	تیره و تار (بطوریکه اجازه دیدن نمی دهد)
afradərəsuaṇtəm-	مفرد مذکر رای	§10
		Air.Wb.100
		Jp.86, § 291

aṇra-	اسم	اهریمن
aṇrāi-	مفرد مذکر برای	§10
aṇrō-	مفرد مذکر نهادی	§10
Mp: gannāg		Air.Wb:104
		Jp.70, § 236

aṇra.mainiiu-	اسم	مینو
aṇgra.mainiiuš-	مفرد مذکر نهادی	§10
Skt: angramainīosa-		Air.Wb:1136
Mp: gannāg mēnōg		Jp.77, § 262

aṇhav-	اسم	هستی
aṇhəuš-	مفرد مذکر اضافی	§10, 22
Skt: bhuvana-		Air.Wb:106
Mp: axw		Jp.77, § 262

anāmarždika-	صفت	بی رحم، سخت دل
anāmarždikō-	مفرد مذکر نهادی	§13,24,25
anamarždikahe-	مفرد مذکر اضافی	§24,25
Skt: mrdīka-		Air.Wb:119
Mp: anāmurzīd		Jp.70, § 236

aiian-	اسم	روز (صورت گاهانی)
aiiqn-	مفرد خشی دری	§15
Skt: divasa-		Air.Wb.157
Mp: rōz		Jp.90, § 308

aiiar-	اسم	روز (صورت اوستای متاخر)
aiiarə-	مفرد خشی نهادی	§14,15
		Air.Wb.157
		Jp.96, § 336

auuaθa-	قید	بنابراین، چنین
Skt: tathā-		§6
		Air.Wb.171

auuah-	اسم	یاری، کمک، توشه
auuaṅhəm-	مفرد خشی رای	§11
Skt: sambala-		Air.Wb:178
Mp: tōšag		Jp.101, § 353

arša-	اسم	خرس
aršō-	مفرد مذکر نهادی	§25
Skt: simha		Air.Wb:203
Mp: xirs		Jp.70, § 236

asəuuišta-	صفت برترین	سود نرسان ترین
asəuuištāi-	مفرد مذکر برایی	§19
Skt: alābha kāra-		Air.Wb:210
Mp: kē nē sūd xwāstār		Jp.70, § 236